اظهارنظر انتقادی دکتر حجت گلچین استاد دانشگاه باهنر؛

ساختار شهری کرمان از هم گسیخته است

بسیاری از ما به گذشته‌ای موهوم پناه می‌بریم مقوله «میراث شهری» در کرمان درک نمی‌شود



استقامت- گروه جامعه: دکتر حجت گلچین، عضو هیات علمی دانشگاه باهنر با اذعان به اینکه در کرمان «بافت تاریخی» در معنای علمی و دقیق آن سال‌هاست دچار فروپاشی شده و عملا از دست رفته است، نسبت به ارائه تصاویر و روایات غیرواقعی، غلوآمیز و اغلب نادرست از کرمان کهن هشدار داد و با نقد شهرسازی معاصر گفت: بدون تعارف باید بگویم که کرمان کنونی هیچ نسبتی با آنچه که شهر نامیده می‌شود و معنایی که از شهر برداشت می‌شود ندارد و وضعیت آن بسیار بغرنج است.

به گزارش استقامت، در نشستی که از سوی بنیاد ایران‌شناسی شعبه کرمان با موضوع معماری کرمان برگزار شد، گلچین درباره اینکه شکل‌گیری شهر کرمان چه روندی را پشت سر گذاشته و واقعیات امروز آن چیست و کرمانی که ارائه می‌شود چه تصویر مخدوشی دارد، توضیحاتی داد و انتقاداتی را مطرح کرد.

کرمان کهن کجاست؟

عضو هیات علمی دانشگاه باهنر کرمان اظهار کرد: کرمان مثل هر شهر دیگری، خاستگاهی داشته مبتنی بر اقتضائات امنیتی، تجارت، کشاورزی و تامین زندگی؛ از این منظر اگر نگاه کنیم، در یک دشت پهناور، «کُهن‌دژ» قلعه‌اردشیر و قلعه‌دختر به ویژه از باب امنیت، ضرورت و موضوعیت می‌یابند.

گلچین با بیان اینکه این دو قلعه به‌عنوان بنیان شهر کرمان خوانده شده است، افزود: وقتی روایات و متون تاریخی را بررسی می‌کنیم، اغلب از نقشی که اردشیر در شکل‌گیری بنیان اولیه کرمان داشته، یاد شده است و از جمله آنکه نام کرمان نیز «به‌اردشیر» روایت شده که به مرور معرب و «بردسیر» می‌شود که البته نباید آن را با شهر بردسیر امروزی در ۵۰ کیلومتری کرمان اشتباه گرفت.

وی بر همین اساس تاکید کرد که از دوران پیش از اردشیر، سند مکتوب و موثقی از عرصه و ساختار شهر در دست نداریم.

او در ادامه الگوی رایج شهر ایرانی را مشتمل بر یک بخش حکومتی و نظامی به‌نام «کهن‌دژ» خواند که در پیرامون آن «شارستان» قرار دارد و بیرون از حصار شارستان هم «ربض» بوده که معمولا قبرستان، قنات‌ها و باغات و مزارع در آن واقع می‌شده است.

عضو هیات علمی دانشگاه باهنر با بیان اینکه درباره شهر کرمان نیز همین ساختار وجود داشته است، افزود: شهر کهن کرمان نیز قاعدتا و منطقا باید پیرامون کهن‌دژهای قلعه‌دختر و قلعه‌اردشیر ساخته شده باشد، ولی شهری که در پژوهش‌ها به ما نشان می‌دهند با آن کاملا فاصله دارد؛ فاصله قابل تاملی که هیچ‌وقت توضیح داده نشده است.

از شهر ساسانی تا محله سلجوقی

وی در این‌باره توضیح داد: اغلب اولین و قدیمی‌ترین حوزه سکونتی شهر کرمان را محله شاه‌عادل خوانده و معرفی کرده‌اند؛ در صورتی که این محله و مسجد ملک در قرن پنجم ساخته شده در حالی که قلاع دختر و اردشیر قریب به هزار سال قبل از آن بوده‌اند. اینکه بین شهر ساسانی و شهر دوران سلجوقی (محله شاه عادل) را نمی‌بینیم یا فراموش کرده‌ایم درست نیست. قلعه‌های اشکانی و ساسانی را بنیان شهر می‌دانیم ولی هیچ توضیحی برای حدود و عرصه شهر تا قبل از شکل‌گیری مسجد ملک و اینکه در این فاصله زمانی چه روندی از ساخت و توسعه شهر طی شده است، نداریم.

گلچین با تاکید بر اینکه شهر قدیم کرمان در پیرامون قلعه‌های کهن شکل گرفته است، بر اساس پژوهشی که اخیرا سرپرستی و منتشر کرده است، اظهار کرد: انتظارمان این است که گستره اولیه شهر کرمان در محدوده‌ای شامل محله شاهزاده‌محمد تا فلکه مشتاق امروزی بوده باشد؛ اما اینکه حصار و حدود شرقی این عرصه تا کجا بوده، اطلاعاتی در دست نیست. تنها می‌توانیم حدس بزنیم که این شهر قدیم، از یک سمت تا خیابان فعلی میرزا رضای کرمانی که در تلاقی خیابان دادبین با خیابان ناصریه امروزی است، به عنوان ششمین و آخرین دروازه اضافه می‌شود. بنابراین، در طی دوران قاجار دو دروازه به شهر کرمان اضافه شده که نشان از پویایی شهر در ادوار متاخر دارد.

عضو هیات علمی دانشگاه باهنر کرمان تاکید کرد: محدوده‌ای که درون این ۶ دروازه وجود داشته را امروز به‌عنوان شهر کهن کرمان می‌شناسیم که بیراه هم نیست؛ اما باید بدانیم شهری قدیمی‌تر از این هم وجود داشته است که همچنان که عرض کردم از پیرامون قلعه‌های دوران ساسانی شکل گرفته و به تدریج با توسعه در جهت غرب، عرصه‌های بعدی را تا به امروز شکل بخشیده است

وی در ادامه گفت: در دوران معاصر، کرمان مثل همه شهرها در ایران دستخوش تغییر و تحولات دوران مدرن شده، از جمله اینکه برج و باروها تخریب می‌شود.

وی افزود: برخی با حالتی هیجانی این نقد را مطرح می‌کنند که چرا دروازه‌های تاریخی شهر کرمان تخریب شد؛ باید بگویم که این اتفاق مربوط به ۱۰۰ سال پیش بوده و مشابه آن حتی در اروپا هم رخ داده که اجتناب‌ناپذیر بوده است، چراکه سیستم حمل‌ونقل عمومی و کامیون و اتوبوس و اتومبیل وارد شهرها شده، اما اینکه در دوران معاصر همچنان تعریض در خیابان‌ها انجام می‌دهیم اشتباه و شرم‌آور است وگرنه تحولات یکصد سال پیش غیرقابل اجتناب بوده است. این در حالی است که در دوره پهلوی نیز شهر عمدتا همچنان به سمت غرب توسعه پیدا می‌کند.

عضو هیات علمی دانشگاه باهنر با تاکید بر اینکه در دوران معاصر اما از «تداوم تاریخی» در شهرسازی و طراحی شهر کرمان غفلت شد، گفت: در دوران معاصر شاهدیم که شهر در یک مقطعی به سمت هفت‌باغ و در دوره‌ای به سمت شرف‌آباد و بیش از همه همچنان به سمت غرب بدون برنامه‌ریزی و طرحی معقول و مدون رشد کرده در صورتی که اگر همان بینش و منطق طراحی و توسعه زمان گنجعلیخان روزآمد و لحاظ می‌شد، شهر می‌توانست در یک روند منطقی، مسیر رشد خود را طی کند.

وضع بغرنج کنونی کرمان

گلچین در بخش دیگری از اظهاراتش به وضعیت کرمانِ دوران حاضر پرداخت. وی گفت: بدون تعارف باید بگویم که کرمان کنونی هیچ نسبتی با آنچه که شهر نامیده می‌شود و معنایی که از شهر برداشت می‌شود ندارد و وضعیت آن بسیار بغرنج است.

عضو هیات علمی دانشگاه باهنر کرمان افزود: در ایران با همین شرایط فعلی و سیستم حکمرانی مشابه در همه جا، شهرهایی داریم که اگرچه ایده‌آل نیستند، لیکن هنوز شکلی از تداوم تاریخی را در خود دارند در حالی که کرمان کاملا از گذشته خود جدا شده و ساختار آن از هم گسیخته است.

وی با اشاره به برخی روایات اغراق‌آمیز و ستایش‌گونه از کرمان اظهار کرد: برخی تصور می‌کنند کرمان چون قلعه‌دختر و قلعه‌اردشیر ساسانی و یا اشکانی را دارد، پس تمایز فراوانی با دیگر شهرها دارد در حالی که این‌طور نیست بلکه هر شهری به اقتضای موقعیت جغرافیایی و کارکردهای امنیتی و اقتصادی که داشته، سیری از تحول را تجربه کرده است. این که تصور همین نشان می‌دهد که تا زمان ساخت مسجد جامع مظفری هم، همچنان همان عرصه اولیه مستقر در پای کهن‌دژها، متن اصلی و غالب شهر بوده است.

گلچین سپس با طرح این پرسش که از چه زمانی هسته‌های سکونتی و محله‌های یاد شده که همواره در «ظاهر» یا «ربض» شهراولیه خوانده شده‌اند، به یک پیوستار و گستره مستقل می‌انجامند؟ بیان کرد: نظر شخصی من این است که در زمان صفویه و با ساخت مجموعه گنجعلی‌خان در تلاقی دو شریان اصلی، چنین اتفاقی می‌افتد و پهنه جدید شهر در مغرب عرصه اولیه، رفته‌رفته جای آن را می‌گیرد.

وی یادآور شد: گنجعلی‌خان در تلاقی این دو شریان که امروزه بازار شمالی جنوبی و راسته بازار شرقی غربی کرمان را شکل داده‌اند، مجموعه‌ای را ساخت که در زمان خودش بهترین کار بود.

وی افزود: از زمان حکومت گنجعلی‌خان، هسته‌هایی که مانند جزایری جدا از هم در بیرون شهر قدیم شکل گرفته بودند به هم پیوند می‌خورند و حالا از این پس، شهر در قالب یک کلیت منسجم شکل می‌گیرد. از این پس، در گزارشاتی که می‌خوانیم از عرصه اولیه که همان حوزه شاهزاده‌محمد تا حوالی زریسف و مشتاقیه امروزی است به نام «شهر قدیم» و «خندق قدیم» یاد می‌کنند.

گلچین با این یادآوری که این عرصه متاخر همان است که نهایتا تا اواخر دوره قاجار در حصاری متشکل از ۶ دروازه محصور می‌شود، اظهار کرد: کتابی مجهول‌المولف و از زمان ناصرالدین‌شاه دیدم که دروازه‌های کرمان را چهار باب و با این عناوین نام می‌برد: جنوباً دروازه رق‌آباد، شرقاً درب مسجد یا وکیل، شمالاً دروازه گبری و در مورد غرب که صحبت می‌کند از دروازه سلطانی یاد می‌کند. این در حالی است که در نقشه‌ای که «خانیکُف» روسی در اواخر حکومت ناصرالدین‌شاه می‌دهد یک دروازه اضافه شده است که احتمالا دروازه باغ مرتبط با ارگ حکومتی باشد.

وی افزود: در آخرین نقشه‌هایی که از زمان «سرپرسی سایکس» داریم «دروازه ناصری» کنیم مثلا چون مسجد «ملک» را از قرن پنجم هجری‌قمری داریم پس شهری منحصربه‌فرد هستیم درست نیست. شیراز مسجدش از قرن سوم هجری‌قمری به یادگار مانده است. نه کرمان و نه شیراز به این واسطه نمی‌توانند ارجحیتی برای خود قائل شوند بلکه آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد نسبت میان شهر امروز و گذشته ضمن روزامد شدن و «معاصر شدن» و با حفظ کرامت شهر و شهروندی است که البته نه تنها شیراز بلکه اغلب شهرهای دیگر از این منظر به مراتب بهتر و «شهر»تر از کرمان هستند..

وی خاطرنشان کرد: بدیهی است که همه شهرها و سکونتگاه‌های بشری در سیر تحول خود تا دوران معاصر، مسیری را پشت سر گذاشته‌اند.

کلیّت فراموش‌شده شهر

گلچین سپس در نقد روایات نادرست از شهر کرمان، به کاربرد اصطلاح «بافت تاریخی» و «بافت کهن» اشاره کرد و توضیح داد: نباید معانی کلمات را مبتذل و مفتضح کنیم. اگر نسبتی را با یک لفظ به یک شیء دادیم، ماهیت آن تغییر نمی‌کند بلکه اگر این کاربرد نادرست و نابه‌جا باشد، لفظی که استفاده کرده‌ایم، مبتذل می‌شود.

وی با بیان اینکه متاسفانه بسیاری از ما گذشته خود را نمی‌شناسیم و چون «اکنونی» هم نداریم، اغلب به گذشته‌ای موهوم پناه می‌بریم و چنگ می‌زنیم، گفت: به فرض اینکه چیزی به اسم بافت تاریخی کرمان داشته باشیم، حق نداریم کلیّتی به نام شهر و مفهومی به نام «میراث شهری» را به جزیره‌ای به نام بافت تاریخی تقلیل بدهیم. در چنین دیدگاهی، دوران معاصر نادیده گرفته می‌شود در حالی که عصر حاضر، پل بین ما و گذشته و بخش مهمی از تاریخ است.

عضو هیات علمی دانشگاه باهنر کرمان با تاکید بر اینکه تعیین محدوده‌ای مجزا از کل شهر و منحصر کردن ارزش‌های شهری با اطلاق عنوان بافت تاریخی به آن، مردود است، افزود: مقوله‌ای به نام «میراث شهری» داریم که بافت تاریخی ذیل آن تعریف می‌شود. میراث شهری مطلقا در کرمان درک نمی‌شود، بافت تاریخی هم که یک کلیشه است و فکر می‌کنیم اگر به یک جزیره با هر ماهیت و ساختاری ولو در نهایت شلختگی و از هم گسیختگی، چنین عنوانی بدهیم شهر تاریخی کرمان موجودیت پیدا می‌کند در صورتی که این‌طور نیست.

وی به‌عنوان یک مصداق، تصاویری از منظر و حریم مسجد «جامع کبیر یزد» و مسجد «ملک» کرمان را در قیاس با هم به نمایش گذاشت و توضیح داد: مسجد جامع کبیر یزد را مربوط به قرن هشتم هجری‌قمری می‌دانند در حالی‌که ریشه‌های سلجوقی دارد. ما در کرمان گریبان چاک می‌دهیم که مسجد ملک سلجوقی و از قرن پنجم و قدیمی‌تر از مسجد جامع یزد است و گمان می‌کنیم که قدیمی‌تر بودن آن کفایت می‌کند بر بهتر بودن و با ارزش‌تر بودنش؛ حال آنکه هرگز چنین نیست چراکه در یزد، تداوم تاریخی و حفاظت تحسین‌آمیز از این بنا، بستر آن و کل محدوده شهر تاریخی در وضعیت و سطحی است که اصلا با کرمان قابل مقایسه نیست. ما در کرمان هرگز مفاهیم شهری و آن تداوم تاریخی شهر یزد و بسیاری شهرهای دیگر را نداریم و شوربختانه حاضر به پذیرش این واقعیت هم نیستیم.

وی تصریح کرد: اگر به آنچه که یزد، اصفهان، شیراز، بوشهر، کاشان و بسیاری دیگر از شهرهای ایران دارند منظر یا بافت تاریخی گفته می‌شود، دیگر نمی‌توان به وضعیت امروز کرمان هم عنوان شهر و بافت تاریخی اطلاق کرد؛ با این عناوین، اعتبار و شان مفهومی مهم و خطیر به‌نام بافت تاریخی را مبتذل و مفتضح می‌کنیم.

ابتذال در شهرسازی معاصر

گلچین اظهار کرد: با وجود چنین وضعیتی، روایتی از کرمان با صفاتی از جمله قدیمی‌ترین و بهترین‌ترین و برترین و خاص‌ترین در جریان است. شهر کرمانی که در ذهن ما ساخته شده و بعضا به آن دامن زده می‌شود، توهمی بیش نیست و با آنچه که در واقعیت داریم بسیار متفاوت است.

وی تصاویری از محدوده‌های معاصر کرمان از جمله وضعیت بسیار نامطلوب خیابان «لاله» در شهرک «الغدیر» را نیز به‌عنوان نمونه نمایش داد و با ابراز تاسف نسبت به چنین وضعیتی افزود: آشفتگی و شلختگی و ابتذال نه فقط در محدوده‌ای که مربوط به عرصه تاریخی است، بلکه در دیگر مناطق جدید شهر از جمله خیابان‌های شفا و هزارویکشب، شریعتی و ... نیز وضعیت شهر کم و بیش همان است.

وی با یادآوری اینکه معلم و دانشگاه اصلی ما «شهر» و محتوای آن است، با اشاره به عرصه پیرامون مسجد ملک که بیش از ۴۰ سال در مسیری از زوال و زشتی به حال خود رها شده است، ادامه داد: شهر کرمان مملو از فضاهای خالی و بلاتکلیفی است که سال‌ها و بلکه دهه¬ها در زشت‌ترین شکل به حال خود رها شده، من به آن‌ها عنوان «فضاهای گندیده شهر» داده‌ام.

گلچین در بخش دیگری از سخنانش، با نقد جریاناتی که متعصبانه و بدون رعایت اصول علمی و فارغ از شناخت دقیق گذشته و اکنون شهر، از برخی اقدامات از جمله ساخت مجتمع تجاری کرمان‌مال (ساروج‌پارس سابق) انتقاد می‌کنند، اظهار کرد: شک نیست که ساخت کرمان‌مال یک اتفاق بسیار بد برای شهر کرمان بوده است اما آیا وضعیت قبل از آن پذیرفتنی بود؟ اصلا چند نفر از این منتقدین آتشین وضعیت قبل از احداث این مجموعه ناهنجار را دیده و یا اساسا آن حوزه را می‌شناختند؟ طوری حرف می‌زنند و ایراد می‌گیرند که انگار قبل از آن، بستری شبیه محله «فهادان» یزد بوده و یک‌شبه با لودر تخریب شده است؛ در حالی که هرگز این‌طور نبوده. محدوده «گود خشت‌مال‌ها» از ۳۳ سال پیش از اجرای این پروژه، یک محله مخروبه و ناامن با مشکلات اجتماعی بسیار زیاد بود و جملگی از آن بی‌اطلاع بودند و اهمیتی هم انگار برایشان نداشت.

عضو هیات علمی دانشگاه باهنر کرمان با تاکید بر عدم شناخت شهر کرمان توسط اکثریت کرمانی‌ها و حتی متخصصان و صاحبان حرفه‌های مرتبط با شهر بیان کرد: چند نفر از شما مساجد «پاچنار» و «غریب» و «مشتاق» را می‌شناسید؟ مسجد «صفا» را آخرین‌بار چه زمانی دیدید؟ حتم دارم که تنها تعداد انگشت‌شماری از مردم کرمان و متخصصان، این مساجد را دیده و یا می‌شناسند چون مساجد تاریخی کرمان فقط به «جامع مظفری» و «ملک» و «حاج‌آقاعلی» و چند نمونه دیگر خلاصه شده است. این تنها یک نمونه از عدم شناخت ما نسبت به کرمان است.

وی افزود: این عدم شناخت، از کم‌کاری ما و گناه ماست. وقتی چیزی را نمی‌شناسیم، نمی‌توانیم آن را دوست بداریم.

گلچین با نمایش تصاویری از بنای تاریخی «مشتاقیه» اظهار کرد: مشتاقیه در کرمان مترادف حافظیه در شیراز است. آیا نسبتی بین وضعیت این دو

ادامه در صفحه ۶